

فصلنامه پژوهش‌های نوین روانشناختی

سال نهم شماره ۳۶ زمستان ۱۳۹۳

پیش‌بینی‌کننده‌های نگرش نوجوانان به رفتار خرابکارانه: نقش مؤلفه‌های از خودبیگانگی روانی و کیفیت دلبستگی

پروین کدیور^۱

ندا افشاریان^۲

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تعیین رابطه از خودبیگانگی روانی و کیفیت دلبستگی با نگرش به رفتارهای خرابکارانه در دانش‌آموزان دبیرستانی انجام شد. روش پژوهش، توصیفی از نوع همبستگی و شرکت‌کنندگان شامل ۳۲۰ دانش‌آموز (۱۷۶ دختر و ۱۴۴ پسر) پایه سوم دبیرستان بودند که به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. ابزارهای پژوهش شامل پرسشنامه از خودبیگانگی روانی "ملوین سیمن (۱۹۵۹)"، پرسشنامه رفتار خرابکارانه و سیاهه دلبستگی به والدین و همسالان "آرمسدن و گرینبرگ (۱۹۸۷)" بود. نتایج نشان داد که مؤلفه‌های اعتماد و ارتباط با والدین و همسالان رابطه منفی و مؤلفه بیگانگی از والدین و همسالان و هر پنج مؤلفه از خودبیگانگی روانی رابطه‌ای مثبت با نگرش به رفتارهای خرابکارانه داشتند. تحلیل رگرسیون گام به گام نشان داد که متغیرهای احساس از خودبیگانگی روانی، اعتماد به پدر، اعتماد به همسال، ارتباط با همسال و ارتباط با مادر توانستند واریانس نگرش به رفتار خرابکارانه را به‌طور معنی‌داری پیش‌بینی کنند ($R^2=0/87$). با توجه به نتایج حاضر، توجه به روابط دلبستگی برای مشاوران و خانواده‌درمانگران در مواجهه با نوجوانان توصیه می‌شود.

واژگان کلیدی: رفتار خرابکارانه؛ از خودبیگانگی روانی؛ کیفیت دلبستگی؛ نوجوانی

Email:kadivar220@yahoo.com

۱- استاد گروه روانشناسی تربیتی دانشگاه خوارزمی تهران (نویسنده مسئول)

۲- کارشناس ارشد روانشناسی تربیتی دانشگاه خوارزمی تهران

مقدمه

از جمله مسائل پیچیده اختلال رفتاری، مسأله رفتار خرابکارانه^۱ است که نظام آموزش و پرورش را به شدت تحت تأثیر قرار داده است (احمدی، ۱۳۸۴). شواهد موجود نشان می‌دهد که موضوع رفتار خرابکارانه همواره مورد توجه صاحب‌نظران حوزه روانشناسی بوده است (لوبر، بورک و پارذینی، ۲۰۰۹؛ گاتالا و بلاو^۲، ۲۰۰۷؛ پاکدامن، ۱۳۸۴؛ پاکدامن و همکاران الف، ۱۳۹۰). همچنین بررسی‌ها گویای این واقعیت است که اگر افراد جامعه به هنجارهای اجتماعی، که رفتار آن‌ها را به عنوان مناسب و نامناسب تعریف می‌کنند، مقید نباشند، فعالیت‌های آن‌ها متوقف، یا دچار اختلال خواهد شد (احمدی، ۱۳۷۷). یکی از اعمالی که نشانگر بروز اختلال در رفتار است، رفتارهای خرابکارانه است که مرتکبین آن، در اکثر مواقع از قشر نوجوان و جوان جامعه تشکیل شده‌اند (همان منبع).

رفتار خرابکارانه به معنای دقیق آن، تخریب اموال عمومی و خصوصی به وسیله جوانان و نوعی رفتار جمعی^۴، احساسی و هیجانی است که تقلید و مشاهده رفتار دیگران نیز در بروز آن مؤثر است (احمدی، ۱۳۸۴؛ آیزل و نیلگون^۵، ۲۰۱۱؛ رضائی و همکاران^۶، ۲۰۱۱).

پژوهشگران، نقش عوامل متعددی را در نگرش به رفتارهای خرابکارانه بررسی کرده‌اند. در این زمینه برخی پژوهش‌ها رابطه معنی‌داری را بین پیوستگی^۷ به خانواده و اولیای مدرسه، سازگاری با محیط مدرسه، پایبندی به نظم و انضباط مدرسه، اعتقاد به قواعد و مقررات مدرسه، مشاهده رفتارهای خرابکارانه، مشاهده لوازم و تجهیزات تخریب شده محیط اطراف، وفاداری به دوستان خرابکار و توجیه رفتار خرابکارانه با نگرش به رفتارهای خرابکارانه در دانش‌آموزان نشان داده‌اند (فتاحی مرنگلو، ۱۳۸۸؛ سهامی و احمدی، ۱۳۸۳). برخی نیز مطلوبیت شرایط آموزشی و تعداد دوستانی که مرتکب رفتارهای

1- Vandalistic

3- Thomas P. Gullotta & Cary M. Blau

5- Aysel & Nilgun

7- continuity

2- Rolf Loeber, Jeffrey Burke, and Dustin A. Pardini

4- Collective behavior

6- Rezaee, Saeedeh. Rao S. P & Ezrin Arbi

خرابکارانه می‌شوند را به‌عنوان دو عامل مؤثر بر نگرش به رفتارهای خرابکارانه نام برده‌اند (قیس، ۱۳۸۸؛ نیک‌اختر، ۱۳۷۸).

ملوین سیمن^۱ (۱۹۵۹) از جمله اندیشمندانی است که با دیدی روانشناختی، کوشیده است تا زمینه بروز رفتارهای ناسازگارانه از طریق بیگانگی روانی را در قالبی منظم و منسجم تدوین و تعریف کند. بر اساس نظر سیمن، بیگانگی روانی، احساسی است که طی آن انسان کیفیات و حالات دیگری را به جای واقعیت وجودی خود می‌شناسد. وی، بزرگ‌ترین مسأله انسان از خودبیگانگی را نداشتن قصد و اختیار می‌داند و معتقد است چنین انسان‌هایی از زیر بار مسئولیت شانه خالی کرده و سعی دارند از آزادی در تفکر یا عدم تفکر، اقدام به عمل یا فراتر از آن، بگریزند و آن‌ها را اموری تحمیلی به شمار آورند (به نقل از ستوده، ۱۳۸۰). سیمن معتقد است جامعه مدرن شرایطی را ایجاد کرده است که در آن انسان‌ها قادر به فراگیری نحوه کنترل پیامد رفتارهای خود نیستند، و در نتیجه این امر، با مخدوش شدن روابط اجتماعی و حالات و خصوصیات منفصلانه و پرخاشگرانه فرد در قبال افراد جامعه و ساخت اجتماعی، زمینه برای بیگانگی شدن فرد و بروز رفتارهای ناسازگارانه اجتماعی در وی شکل می‌گیرد. سیمن انواع رفتار بیگانه را در پنج نوع از احساس شامل بی‌قدرتی^۲، بی‌معنایی^۳، بی‌هنجاری^۴، انزوای اجتماعی^۵ و تنفر از خویش^۶ طبقه‌بندی کرده است (سیمن، ۱۹۵۹). از نظر بعضی از پژوهشگران نیز، نوجوانی دوره‌ای است که با ضعیف شدن نظارت والدین و گسترش روابط با گروه‌های همسالان ایجاد می‌شود و زمانی که نوجوانان نمی‌توانند ارتباطی بین رفتار خود و پاداش اخذ شده از گروه برقرار کنند دچار نوعی احساس بی‌قدرتی و بی‌معنایی شده و برای تحقق خواسته خود ممکن است یا راه انزوا و بیگانگی شدن با جامعه را در پیش گیرند و یا برای دیده شدن و مورد توجه قرار گرفتن به سمت ارتکاب رفتارهای خرابکارانه و تخریب اموال عمومی پیش روند (سیگل^۷، ۱۹۹۸). بنابراین، نگرش به رفتار خرابکارانه یا ناسازگارانه در چارچوب نظریه سیمن قابل تبیین است.

1- M. Seeman

3- Meaninglessness

5- Social isolation

7- Siegel, Larry

2- Powerlessness

4- Normlessness

6- Self estrangement

پژوهش‌ها نشان داده است که کیفیت دلبستگی به والدین و دوستان در تحول افراد مؤثر بوده و می‌تواند در ظهور و بروز رفتارهای ضداجتماعی و خرابکارانه اثرگذار باشد (پاکدامن، ۱۳۸۴؛ پاکدامن و همکاران الف، ۱۳۹۰). برای مثال، نتایج پژوهش پاکدامن و همکاران الف (۱۳۹۰) نشان داد که دلبستگی بیشتر با والدین، رابطه‌ای منفی با مشکلات رفتاری-هیجانی دارد. به عبارت دیگر از یک سو، هرچه بر کیفیت اعتماد و ارتباط میان والدین و نوجوانان افزوده شود از میزان نگرش نوجوانان به رفتارهای خرابکارانه کاسته می‌شود و از سوی دیگر، با افزایش بیگانگی نوجوانان از والدین، میزان نگرش به رفتارهای خرابکارانه در آن‌ها افزایش می‌یابد. بالبی^۱ (۱۹۷۳) معتقد بود که کودک، سلسله مراتبی از روابط دلبستگی را ابتدا با مادر به‌عنوان مراقب اولیه رشد می‌دهد (کرین^۲، ۱۳۸۹؛ مهبد و فولادچنگ، ۱۳۹۱). بعدها اینزورث^۳ (۱۹۰۳) نشان داد که تقریباً تمام کودکانی که در یک دوره خاص به مادران خود دلبسته می‌شوند، به چهره‌های آشنای دیگر همچون پدر، مادر بزرگ و پدربزرگ نیز دلبسته می‌شوند (به نقل از پاکدامن و همکاران ب، ۱۳۹۰). در نظریه دلبستگی فرض شده است که کیفیت دلبستگی، بر بسیاری از ابعاد زندگی کودکان اثرات درازمدت داشته و می‌تواند تأثیر قاطعی بر تحول شخصیت داشته و حتی منجر به اختلال‌های وخیم مرضی گردد (بورگس و همکاران^۴، ۲۰۰۳). این مفهوم از عناصر متعددی مانند اعتماد متقابل، کیفیت ارتباط و بیگانگی تشکیل شده است. عنصر اعتماد متقابل، احساس امنیت افراد را در میزان پاسخدهی والدین و همسالان نسبت به نیازهای هیجانی آن‌ها، عنصر کیفیت ارتباط، کمیت و کیفیت ارتباط کلامی و عنصر بیگانگی نیز احساسات بی‌اعتنایی هیجانی و انزوا را نشان می‌دهد (آرمسدن و گرینبرگ^۵، ۱۹۸۷).

بر این اساس، پژوهشگران متعددی در حوزه روانشناسی به بررسی رابطه بین مؤلفه‌های کیفیت دلبستگی والدین و همسالان با رفتارهای ناسازگارانه و ضداجتماعی پرداخته و

1- Bowlby, John
3- Mary D.S. Ainsworth
5- Armsden GC, Greenberg MT

2- Crain, William Christopher
4- Burgess & Marshall & Rubin

نشان داده‌اند که بین کیفیت اعتماد و ارتباط با والدین و همسالان با بروز رفتارهای ناسازگارانه دانش‌آموزان رابطه منفی و بین بیگانگی از والدین و همسالان با نگرش به رفتارهای خرابکارانه رابطه مثبتی وجود دارد (روبین و همکاران^۱، ۲۰۰۴؛ بال^۲، ۲۰۰۵؛ گالن و رابینسون^۳، ۲۰۰۵؛ مادریگال^۴، ۲۰۰۶؛ لوبر و همکاران^۵، ۲۰۰۹؛ جاکوب دول و همکاران^۶، ۲۰۱۳؛ واحدی و مرادی، ۱۳۸۸). در مجموع، شواهد حاصل از مشاهده بعضی از پژوهشگران بیانگر ارتباط مثبت دلبستگی والدین و همسالان با سازگاری هیجانی و ارتباط منفی با تنش هیجانی و رفتارهای ضداجتماعی و خرابکارانه است (روبین و همکاران، ۲۰۰۴). برخی از پژوهشگران نیز به اهمیت نقش حمایت خانوادگی یا حمایت مراقبان^۷، انضباط یا نظارت مراقبان^۸ و کیفیت روابط مراقبان و فرزندان^۹ و به‌ویژه پایبندی به نظم در کاهش رفتارهای خرابکارانه و تخریب و سرقت اموال اذعان داشته‌اند (بال، ۲۰۰۵). علاوه بر این، نتایج تحقیقات گالن و رابینسون (۲۰۰۵) در یک بررسی روانسنجی روی سیاهه دلبستگی به والدین و همسالان نشان داد که میزان اعتماد و ارتباط در هر یک از اشکال دلبستگی با رفتارهای خرابکارانه رابطه منفی و میزان بیگانگی در هر یک از اشکال دلبستگی با رفتارهای ناسازگارانه رابطه مثبت دارد. همچنین، تحقیقات دیگر نیز از این ایده که روابط دلبستگی والد-کودک و والد-همسال با سازگاری هیجانی میان کودکان و نوجوانان رابطه دارد، حمایت می‌کنند (واحدی و مرادی، ۱۳۸۸؛ آرمسدن و گرینبرگ، ۱۹۸۷). به‌ویژه واحدی و مرادی در این زمینه دریافتند که بین سبک‌های دلبستگی مثبت پدر و مادر (مؤلفه اعتماد و ارتباط) و سازگاری اجتماعی هیجانی دانشجویان رابطه مثبت معنی‌داری وجود دارد؛ اما بین سبک‌های دلبستگی منفی پدر و مادر (مؤلفه بیگانگی) و سازگاری هیجانی رابطه منفی وجود دارد (واحدی و مرادی، ۱۳۸۸).

1- Rubin & et.al

3- Gullone & Robinson

5- Rolf Loeber, Jeffrey Burke, and Dustin A. Pardini

7- Familial caregiver support

9- Caregiver child relationship quality

2- Ball

4- Madrigal, A.C.

6- Jacob Doll & et all

8- Caregiver discipline supervision

از آنجا که خانواده، مدرسه و گروه همسال، سهم مهمی در تشکیل جامعه و شکل‌گیری نوع روابط انسانی دارند و در جریان زندگی، این نهادها به‌عنوان مسیر نخستینی برای نوجوانان جهت اثرگذاری بر رفتارها، همواره باقی می‌مانند، پیوندهای درون خانواده، مدرسه و گروه همسال، پیش زمینه‌ای برای شکل‌گیری الگوهای رفتاری نوجوانان است که آنان را در بسیاری از تصمیمات رفتاری و روابط اجتماعی راهنمایی می‌کند. از این رو، الگوهای رفتاری نهادها دربرگیرنده راه‌هایی برای مدیریت رفتار و حل تعارضات رفتاری است. به طوری که بعضی از صاحب‌نظران معتقدند که نوجوانانی که به رفتارهای خرابکارانه گرایش دارند غالباً در معرض آن‌گونه از روابط اجتماعی قرار دارند که از ویژگی‌های آن احساس بی‌نظمی، فقدان امکانات و نبود رابطه و پیوند نزدیک و صمیمانه بین والد و فرزند است که منجر به احساس بی‌معنایی و انزوایی در فرد شده و به تدریج کیفیت این رابطه در رفتار آنان نسبت به دیگران و محیط اجتماعی اثر می‌گذارد (جاکوب دول و همکاران، ۲۰۱۳). همچنین بعضی پژوهشگران نشان داده‌اند که ماهیت جو و محیط خانوادگی، که شامل کیفیت اعتماد و ارتباط و میزان بیگانگی بین والدین با یکدیگر و با کودکان است می‌تواند از طریق به وجود آوردن شرایط از خودبیگانگی، در نگرش کودکان و نوجوانان به رفتارهای خرابکارانه، نقش تسهیل‌کننده و یا بازدارنده داشته باشد (مادریگال، ۲۰۰۶). در همین زمینه، نتایج مطالعات لوپر و همکاران (۲۰۰۹) نیز نشان داد که اعمال مثبت والدین و تأکید بر روابط گرم و محبت‌آمیز، می‌تواند برای کودکان و نوجوانان در معرض خطر ویژگی‌های عاطفی جامعه‌ستیزی به‌عنوان یک سپر دفاعی عمل کند.

با توجه به اینکه پژوهش‌های موجود تاکنون نقش توأمان شرایط از خودبیگانگی روانی و مؤلفه‌های کیفیت دل‌بستگی به والدین و همسالان را در بررسی مشکلات رفتاری-هیجانی نوجوانان مورد توجه قرار نداده‌اند و از آنجا که در تحقیقات انجام شده در خصوص تأثیر شرایط از خودبیگانگی روانی و یا مؤلفه‌های کیفیت دل‌بستگی به والدین و همسالان بر نگرش به رفتارهای خرابکارانه، به اهمیت تعاملات نخستین افراد در شکل‌گیری روابط اجتماعی آینده آن‌ها اشاره شده است، هدف کلی این پژوهش بررسی

نقش مؤلفه‌های از خودبیگانگی روانی و کیفیت دلبستگی نوجوانان به والدین و همسالان در پیش‌بینی نگرش به رفتارهای خرابکارانه نوجوانان بود.

روش‌شناسی پژوهش

روش پژوهش حاضر توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه آماری پژوهش را تمامی دانش‌آموزان دختر و پسر سال سوم دبیرستان شهر فسا (۱۰۴۳ نفر) در سال تحصیلی ۹۳-۱۳۹۲ تشکیل می‌دهند. از بین این جامعه آماری با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای نمونه‌ای شامل ۳۲۰ دانش‌آموز (۱۷۶ دختر و ۱۴۴ پسر) به‌عنوان گروه نمونه پژوهش انتخاب شدند.

ابزارهای پژوهش

به منظور جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز پژوهش از سه پرسشنامه به شرح زیر استفاده شد. پرسشنامه از خودبیگانگی روانی: در پژوهش حاضر، از پرسشنامه بیگانگی سیاسی اسرول^۱ (۱۹۶۹) برگرفته از نظریه سیمن (۱۹۵۹) که توسط محسنی‌تبریزی (۱۳۷۰) ترجمه و اجرا شده بود، و پایایی و روایی آن نیز مورد تأیید قرار گرفته است، مورد استفاده قرار گرفت. این پرسشنامه، با ۴۶ گویه و ۵ خرده‌مقیاس احساس بی‌قدرتی، احساس بی‌هنجاری، احساس بی‌معنایی، احساس انزوای اجتماعی و احساس تنفر از خویشان اجرا شد. در پژوهش حاضر بررسی پایایی پرسشنامه با استفاده از روش‌های ضریب همسانی درونی و بازآزمایی روی گروه نمونه به ترتیب ضرایب ۰/۸۹ و ۰/۸۷ را نشان داد که این ضرایب در سطح نسبتاً بالایی است و حاکی از پایایی مناسبی برای این پرسشنامه است.

پرسشنامه دلبستگی نوجوانان به والدین و همسالان-نسخه تجدیدنظر شده^۲: برای سنجش متغیر کیفیت دلبستگی، از سیاهه دلبستگی بزرگسالان و همسالان که توسط آرمسدن و گرینبرگ، (۱۹۸۷) برای ارزیابی ادراک نوجوان از ابعاد شناختی و عاطفی مثبت و منفی رابطه با والدین و دوستان نزدیک ساخته شده است، استفاده شد. این پرسشنامه

1- Esroll

2- Inventory of Parents and Peer Attachment-Revised

دارای ۷۵ سوال و ۳ مقیاس دلبستگی به مادر، دلبستگی به پدر و دلبستگی به همسالان است که هر کدام به وسیله ۲۵ سوال سنجیده می‌شود. پایایی بازآزمایی مقیاس در فاصله ۳ هفته بر روی نمونه‌ای شامل ۲۷ نوجوان ۱۸ تا ۲۰ ساله برای مقیاس دلبستگی به والدین ۰/۹۳ و برای مقیاس دلبستگی به همسالان ۰/۸۶ بوده است. ضریب آلفای کرونباخ این مقیاس نیز برای مقیاس‌های دلبستگی به مادر، دلبستگی به پدر و دلبستگی به همسالان به ترتیب ۰/۸۷، ۰/۸۹ و ۰/۹۲ گزارش شده است (آرمسدن و گرینبرگ، ۱۹۸۷). همسانی درونی این پرسشنامه در ایران توسط نصرتی (۱۳۸۳) محاسبه و به ترتیب برای مقیاس‌های دلبستگی به مادر، دلبستگی به پدر و دلبستگی به همسالان ۰/۸۲، ۰/۸۳ و ۰/۹۲ به دست آمده است. در پژوهش حاضر نیز ضریب همسانی درونی به ترتیب برای مقیاس‌های دلبستگی به مادر، دلبستگی به پدر و دلبستگی به همسالان نیز ضریب همسانی درونی ۰/۹۰، ۰/۹۲ و ۰/۸۹ به دست آمد. همچنین در بررسی روایی پرسشنامه نشان داده شده است که کیفیت دلبستگی می‌تواند نوجوانان بزهکار را از نوجوانان غیربزهکار متمایز سازد (آرمسدن و گرینبرگ، ۱۹۸۷).

پرسشنامه نگرش به رفتارهای خرابکارانه: برای سنجش نگرش به رفتار خرابکارانه از پرسشنامه نیک اختر (۱۳۷۸) استفاده شد. این پرسشنامه شامل ۱۰ گویه است که در مقیاس ۵ درجه‌ای طیف لیکرت نمره‌گذاری می‌شود. پایایی پرسشنامه حاضر در پژوهش نیک‌اختر برابر با ۰/۷۸ گزارش شده است. همچنین، سهامی و احمدی (۱۳۸۳) ضریب همسانی درونی این پرسشنامه را ۰/۸۲ گزارش کرده‌اند. در پژوهش حاضر نیز ضریب همسانی درونی ۰/۸۹ به دست آمد. در بررسی روایی آزمون نیز نشان داده شده که نگرش به رفتار خرابکارانه در بین جوانان با متغیرهای دلبستگی و تقیدات خانوادگی، وجود خانواده‌های نابسامان و افت تحصیلی رابطه نیرومندی دارد (نیک‌اختر، ۱۳۷۸).

یافته‌ها

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش‌های توصیفی و استنباطی استفاده شد. در جدول ۱ میانگین و انحراف استاندارد در کل نمونه ارائه شده است.

جدول (۱) میانگین و انحراف معیار متغیرهای از خودبیبگانگی، دلبستگی و نگرش به رفتار خرابکارانه

متغیرها	میانگین	انحراف معیار
احساس بی‌قدرتی	۳۳،۲۸	۷،۴۱۲
احساس بی‌هنجاری	۳۰،۰۷	۶،۲۳۸
احساس بی‌معنایی	۲۵،۳۹	۶،۳۸۵
احساس انزوای اجتماعی	۳۱،۹۲	۵،۱۶۲
احساس تنفر از خویشان	۱۰،۴۵	۳،۰۷۳
از خودبیبگانگی روانی	۱۳۰،۷۳۳	۲۳،۱۹۴
اعتماد به مادر	۴۱،۸۳	۵،۳۸۰
اعتماد به پدر	۴۰،۱۵	۶،۴۵۶
ارتباط با مادر	۳۲،۸۰	۶،۸۴۲
ارتباط با پدر	۳۰،۳۳	۷،۱۹۸
بیبگانگی از مادر	۱۳،۶۰	۴،۴۷۰
بیبگانگی از پدر	۱۴،۲۸	۴،۳۸۷
اعتماد به همسال	۳۸،۷۷	۷،۰۲۳
ارتباط با همسال	۲۷،۳۹	۶،۲۶۹
بیبگانگی از همسال	۱۷،۴۴	۴،۰۱۳
کیفیت دلبستگی به مادر	۹۷،۱۶	۱۳،۸۰۴
کیفیت دلبستگی به پدر	۹۳،۸۲	۱۴،۷۳۷
کیفیت دلبستگی به همسال	۹۰،۷۳	۱۳،۲۷۰
رفتار خرابکارانه	۲۴،۰۹	۸،۶۸۵

از خودبیبگانگی روانی

کیفیت دلبستگی به والدین و همسالان

رفتار خرابکارانه

نتایج جدول ۱ نشان می‌دهد که بالاترین میانگین در متغیر از خودبیبگانگی روانی مربوط به مؤلفه احساس بی‌قدرتی ($M=33,28$) و در متغیر کیفیت دلبستگی مربوط به مؤلفه اعتماد به مادر ($M=41,83$) است. میانگین متغیر نگرش به رفتار خرابکارانه نیز برابر با $24/09$ است.

در جدول ۲ ضریب همبستگی متغیرهای پیش‌بین (کیفیت دلبستگی و از خودبیبگانگی روانی) با متغیر ملاک (نگرش به رفتار خرابکارانه) گزارش شده است.

جدول (۲) همبستگی بین مؤلفه‌های ازخودبیگانگی و دل‌بستگی به والدین و همسالان با رفتارهای خرابکارانه

متغیرها	نگرش به رفتار خرابکارانه	
احساس بی‌قدرتی	.۳۰۱**	ازخودبیگانگی روانی
احساس بی‌هنجاری	.۳۹۲**	
احساس بی‌معنایی	.۴۰۰**	
احساس انزوای اجتماعی	.۱۹۸**	
احساس تنفر از خویشان	.۲۷۳**	
ازخودبیگانگی روانی	.۴۴۱**	
اعتماد به مادر	-.۱۴۰*	کیفیت دل‌بستگی به والدین و همسالان
اعتماد به پدر	-.۱۴۶*	
ارتباط با مادر	-.۱۹۰**	
ارتباط با پدر	-.۱۴۷**	
بیگانگی از مادر	.۱۶۸**	
بیگانگی از پدر	.۱۴۳*	
اعتماد به همسال	-.۱۴۲*	
ارتباط با همسال	-.۱۵۵**	
بیگانگی از همسال	.۱۳۴*	
کیفیت دل‌بستگی به مادر	-.۱۹۵**	
کیفیت دل‌بستگی به پدر	-.۱۳۷*	
کیفیت دل‌بستگی به همسال	-.۱۶۰**	

** معنادار در سطح ۰/۰۰۱

* معنادار در سطح ۰/۰۰۵

نتایج ارائه شده در جدول ۲ نشان می‌دهد که متغیرهای ازخودبیگانگی روانی و دل‌بستگی به والدین و همسالان و مؤلفه‌های آن‌ها همگی با نگرش به رفتار خرابکارانه رابطه معنی‌دار دارند. از بین مؤلفه‌های ازخودبیگانگی، احساس بی‌معنایی ($r=0/40$) و از بین مؤلفه‌های کیفیت دل‌بستگی، ارتباط با مادر ($r=-0/19$) بیشترین رابطه را با نگرش به رفتار خرابکارانه داشته است.

نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام برای پیش‌بینی نگرش به رفتار خرابکارانه بر اساس متغیرهای ازخودبیگانگی روانی و کیفیت دل بستگی در جدول ۳ گزارش شده است.

جدول (۳) نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام برای پیش‌بینی نگرش به رفتار خرابکارانه بر اساس ازخودبیگانگی روانی و کیفیت دل بستگی

مرحله	نام متغیر	R	R ²	B	Beta	T	Sig
اول	احساس ازخودبیگانگی روانی	۰/۸۷۲	۰/۷۶۱	۰/۳۰۳	۰/۸۳۴	۱۳/۷۷۴	۰/۰۰۱
دوم	اعتماد به پدر	۰/۸۹۴	۰/۷۹۸	-۰/۳۵۹	-۰/۲۱۴	-۳/۵۱۶	۰/۰۰۱
سوم	اعتماد به همسال	۰/۹۰۸	۰/۸۲۵	-۰/۵۰۳	-۰/۳۰۶	-۴/۱۰۴	۰/۰۰۱
چهارم	ارتباط با همسال	۰/۹۲۲	۰/۸۵۰	-۰/۳۸۷	-۰/۲۲۱	-۲/۸۶۴	۰/۰۰۱
پنجم	ارتباط با مادر	۰/۹۳۳	۰/۸۷۰	-۰/۳۲۱	-۰/۱۵۳	-۲/۵۷۹	۰/۰۰۱

نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد که از میان متغیرهایی که وارد معادله رگرسیون شده‌اند متغیرهای احساس ازخودبیگانگی روانی، اعتماد به پدر، اعتماد به همسال، ارتباط با همسال و ارتباط با مادر، ۸۷ درصد از واریانس نگرش به رفتار خرابکارانه را پیش‌بینی کرده‌اند. با توجه به مقادیر ضریب رگرسیون، مشخص می‌شود که متغیرهای اعتماد به پدر، اعتماد به همسال، ارتباط با همسال و ارتباط با مادر با نگرش به رفتار خرابکارانه رابطه معکوس و منفی و متغیر ازخودبیگانگی روانی، با متغیر وابسته رابطه‌ای مستقیم و مثبت دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف تعیین رابطه ازخودبیگانگی روانی و کیفیت دل بستگی با نگرش به رفتارهای خرابکارانه در دانش‌آموزان دبیرستانی انجام شد. نتایج نشان داد که بین هر پنج مؤلفه ازخودبیگانگی روانی با نگرش به رفتارهای خرابکارانه رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. به این معنا که با افزایش احساس‌های بی‌قدرتی، بی‌هنجاری، بی‌معنایی، انزوایی و تنفر از خویش، میزان نگرش نوجوانان به رفتارهای خرابکارانه افزایش

می‌یابد. علاوه بر این، بین نگرش به رفتار خرابکارانه با مولفه‌های اعتماد و ارتباط کیفیت دلبستگی، همبستگی منفی و با مولفه‌ی بیگانگی، همبستگی مثبت وجود داشت. به طوری که با افزایش اعتماد و ارتباط با والدین و همسالان، نگرش به رفتار خرابکارانه کاهش و با افزایش بیگانگی از والدین و همسالان، نگرش به رفتار خرابکارانه افزایش می‌یابد. نتایج همچنین نشان داد که نگرش به رفتارهای خرابکارانه از طریق از خود بیگانگی روانی و کیفیت دلبستگی به والدین و همسالان، پیش‌بینی می‌شود.

یافته‌های فوق در زمینه رابطه بین نگرش به رفتار خرابکارانه و از خود بیگانگی روانی با نتایج پژوهش‌های بال (۲۰۰۵) و سیگل (۱۹۹۸) هماهنگ است. یافته‌های پژوهش بال (۲۰۰۵) نشان داد که هنجارمندی و پایبندی به نظم و قانون با کم شدن بزهکاری عمومی و سرقت اموال رابطه دارد. از نظر سیگل (۱۹۹۸)، ریشه نگرش به رفتار خرابکارانه افراد تحت تأثیر خانواده، مدرسه و اجتماع قرار دارد و علت روی آوردن به رفتارهای خرابکارانه را باید در ناهمسازی دانش‌آموزان و نیازهایشان با ساختارها و نهادهای مسلط جامعه جستجو کرد. دانش‌آموزان با ضعیف شدن نظارت والدین و مشاهده بی‌هنجاری در محیط اجتماع، دچار نوعی احساس بی‌هنجاری، بی‌قدرتی و بی‌معنایی می‌شوند و برای تحقق خواسته‌های خود ممکن است یا راه انزوا و بیگانه شدن با جامعه را در پیش گیرند و یا برای دیده شدن و مورد توجه قرار گرفتن به سمت ارتکاب رفتارهای خرابکارانه و تخریب اموال عمومی پیش روند. بر این اساس، می‌توان چنین نتیجه گرفت که نگرش به انجام رفتارهای خرابکارانه نوعی واکنش در برابر فشار، تحمیلات، ناملايمات، اجحاف‌ها، شکست‌ها و مشکلات درون جامعه، خانواده و مدرسه است که مبین تخریب آگاهانه، ارادی و خودخواسته اموال است. همچنین، در تبیین این نتایج می‌توان گفت: دوره نوجوانی، خواسته‌های جدیدی را مطرح می‌سازد که در این بین از یک سو میل به تبعیت از ارزش‌های نوجوانی، پذیرفته شدن و جذب در گروه‌های همسالان، فشارهای گروهی و میل به ابراز وجود، از طرف دیگر فقدان امکانات، روابط عاطفی نامناسب و عدم توجه به خواسته‌ها و نظرات نوجوان در محیط مدرسه و خانواده توسط معلمان و والدین، بی‌تجربگی و عدم شناخت کافی، دانش‌آموز را در یک بحران

فکری و آشفتگی روانی قرار می‌دهد و عوارضی به بار می‌آورد که در نتیجه آن، بروز رفتارهای خرابکارانه را شاهد هستیم (جاکوب دول و همکاران، ۲۰۱۳). لذا این رفتارها زمینه‌ساز بی‌احترامی و عدم توجه به هنجارها و مقررات آموزشی و ارزش‌های اجتماعی در محیط آموزشگاه می‌شود که این امر به نوبه خود موجبات بی‌نظمی و امحای انسجام اجتماعی در کلاس درس و مدرسه می‌گردد.

در تبیین نتایج پژوهش حاضر مبنی بر رابطه بین کیفیت دلبستگی به والدین و همسالان با نگرش به رفتار خرابکارانه می‌توان گفت که این یافته با نتایج برخی از پژوهش‌های پیشین از جمله (روبین و همکاران، ۲۰۰۴؛ گالن و رایبسون، ۲۰۰۵؛ جاکوب دول و همکاران، ۲۰۱۳؛ واحدی و مرادی، ۱۳۸۸) همسو است. یافته‌های پژوهش‌های فوق نشان داده‌اند که بین کیفیت دلبستگی به والدین و همسالان با رفتارهای ناسازگارانه دانش‌آموزان رابطه منفی و بین بیگانگی از والدین و همسالان با نگرش به رفتارهای خرابکارانه رابطه مثبتی وجود دارد. در پژوهش گالن و رایبسون (۲۰۰۵) مشخص شد که میزان اعتماد در هر یک از اشکال دلبستگی، با عدم رفتار ضداجتماعی و خودپنداره مثبت رابطه مثبت و با زورگویی رابطه منفی داشته است. از سویی دیگر، توافق کلی وجود دارد که نوجوانانی که به رفتارهای خرابکارانه گرایش دارند غالباً در معرض آن‌گونه از روابط اجتماعی قرار دارند که از ویژگی‌های آن احساس بی‌نظمی و نبود رابطه صمیمانه بین والد و فرزند است که منجر به احساس بی‌معنایی و انزوای طلبی در فرد شده و به تدریج کیفیت این رابطه در رفتار آنان نسبت به دیگران و محیط اجتماعی اثر می‌گذارد (جاکوب دول و همکاران، ۲۰۱۳).

بر اساس نظر بالبی (۱۹۷۳)، روابط دلبستگی در سراسر چرخه زندگی تداوم می‌یابد؛ به نحوی که سوابق تجارب اولیه کودک با چهره‌های دلبستگی آثار بلندمدتی را ایجاد می‌کند که آثارش تا سنین بزرگسالی نیز وجود خواهد داشت (به نقل از مهبد و فولادچنگ، ۱۳۹۱). بر این اساس، پژوهش‌های متعددی نشان داده‌اند که سطوح پایین دلبستگی به چهره‌های دلبستگی منجر به افزایش رفتارهای خرابکارانه و ضداجتماعی در

دانش‌آموزان می‌شود (واحدی و مرادی، ۱۳۸۸؛ پاکدامن و همکاران الف، ۱۳۹۰؛ بال، ۲۰۰۵؛ مادریگال، ۲۰۰۶؛ لوبر و همکاران، ۲۰۰۹).

نتایج همچنین نشان داد که دلبستگی به مادر، پدر و همسالان، هر سه پیش‌بینی‌کننده معکوس و معنی‌دار نگرش به رفتارهای خرابکارانه هستند. به عبارت دیگر، کیفیت دلبستگی به والدین و همسالان به‌عنوان یک پیش‌بینی‌کننده مهم در نگرش به رفتارهای خرابکارانه شناخته شدند؛ به‌طوری‌که تعامل مثبت میان والد-نوجوان و همسال-نوجوان، شامل اعتماد و ارتباط، با نگرش به رفتارهای خرابکارانه رابطه منفی و بیگانگی از والدین و همسالان با نگرش به رفتارهای خرابکارانه، رابطه مثبتی را نشان داد. بنابراین سطوح پایین دلبستگی به والدین و همسالان و سطوح بالای بیگانگی از والدین و همسالان منجر به افزایش نگرش به رفتارهای خرابکارانه در بین دانش‌آموزان شده است. این یافته با پژوهش‌های پاکدامن و همکاران الف (۱۳۹۰)؛ بال (۲۰۰۵) و مادریگال (۲۰۰۶)، همسو است. در تبیین این یافته پژوهش حاضر و همسویی آن با پژوهش‌های قبلی می‌توان گفت که فرایند دلبستگی کودک در جریان چرخه‌های زندگی از مادر به نزدیکان و بالأخره به گروه‌های دیگری تسری می‌یابد و به‌صورت عاملی مهم برای ساخت‌دهی شخصیت فرد در می‌آید. بنابراین، رفتار دلبستگی و پیامدهای عاطفی آن همواره در زندگی فرد پایدارند و بدین ترتیب روابط عاطفی یک فرد در سراسر زندگی به چگونگی توحید یافتگی رفتار دلبستگی در چارچوب شخصیت وی وابسته است و می‌تواند تأثیر قاطعی بر تحول شخصیت داشته باشد و حتی در آینده به اختلال‌های وخیم مرضی منجر گردد (پاکدامن، ۱۳۸۰). از این منظر می‌توان گفت که دانش‌آموزانی که گرایش به رفتار خرابکارانه دارند معمولاً به هنجارها و ارزش‌های خانوادگی پایبندی چندانی ندارند و رفتارهای آنها انسجام خانواده را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد و موجب ناسازگاری و اختلاف میان والدین و جوانان می‌شود. در نتیجه ممکن است که این دانش‌آموزان به بیرون از خانه پناه ببرند و به‌علت ویژگی‌های سنی خود در خطر آسیب قرار گیرند. بنابراین، می‌توان گفت که کیفیت مطلوب دلبستگی می‌تواند موجب افزایش جهت‌گیری مثبت و بادوام در روابط اجتماعی شود که پیامد آن در سطوح مختلف اجتماعی شدن

آشکار می‌شود. روابط گرم و صمیمی با والدین موجب می‌شود افراد احساس نزدیکی و صمیمیت بیشتری با والدین داشته باشند و الگوهای رفتاری آن‌ها را آموخته و به زندگی خود منتقل کنند. در این صورت، این روابط مانع از روی آوردن نوجوانان به رفتارهای ضداجتماعی و خرابکارانه شده و موجب شکل‌گیری یک پیوند و رابطه مثبت اجتماعی می‌شود که نوجوانان را از کج‌روی و تعارض با ساختارهای اجتماعی و فردی منع می‌کند.

با توجه به یافته‌های فوق پیشنهاد می‌گردد مشاوران و خانواده درمانگران در مواجهه با دانش‌آموزانی که گرایش به رفتار خرابکارانه دارند، به پیشینه روابط دوره تحول و شبکه ارتباطی کنونی مراجعان با والدین و همسالانشان نیز توجه کرده و فرد را در فضای روابط دلبستگی‌اش مورد کنکاش قرار دهند؛ چرا که با شناخت این زمینه‌ها می‌توان در سطوح مختلف مداخله کرد و زمینه ارتقای کیفیت دلبستگی آنان را فراهم نمود. با توجه به این که پژوهش حاضر، صرفاً در محیط شهری و روی گروه سنی نوجوان انجام گرفته است، انجام مطالعات طولی با حجم نمونه‌های بزرگ در سایر شهرهای ایران پیشنهاد می‌شود. در این صورت با دقت بیشتری می‌توان نتایج به‌دست آمده را به سایر جمعیت‌ها تعمیم داد.

تاریخ دریافت نسخه اولیه مقاله: ۱۳۹۳/۰۱/۲۹

تاریخ دریافت نسخه نهایی مقاله: ۱۳۹۳/۰۶/۱۱

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۳/۱۱/۰۴

منابع

- احمدی، حبیب (۱۳۸۴). *جامعه‌شناسی انحرافات*. تهران: انتشارات سمت.
- احمدی، حبیب (۱۳۷۷). *نظریه‌های انحرافات اجتماعی*، چاپ اول، شیراز: انتشارات زر.
- پاکدامن، شهلا (۱۳۸۰). بررسی ارتباط بین دلبستگی و جامعه‌طلبی در نوجوانی. *پایان‌نامه دکتری در رشته روانشناسی تربیتی*، دانشگاه تهران.
- پاکدامن، شهلا (۱۳۸۴). *برجاماندگی اختلال واکنشی دلبستگی در نوجوانی*. *روانشناسی تحولی*، بهار ۸۴، ۳، ۱۹۲-۱۸۵.
- پاکدامن، شهلا؛ سیدموسوی، پریسادات؛ قنبری، سعید؛ ملحی، الناز (۱۳۹۰ الف). کیفیت دلبستگی به والدین و نشانه‌های درونی‌سازی شدن و برون‌سازی شده در نوجوانان: بررسی مقایسه‌ای نقش پدران و مادران. *فصلنامه پژوهش‌های نوین روانشناختی*، سال ششم، ۲۳، ۹۰، ۴۴-۲۱.
- پاکدامن، شهلا؛ سیدموسوی، پریسادات؛ قنبری، سعید (۱۳۹۰ ب). کیفیت دلبستگی و مشکلات رفتاری - هیجانی در نوجوانان: بررسی نقش پدران. *فصلنامه روانشناسی کاربردی*، ۵، ۱ (۱۷)، ۹۰، ۸۵-۱۰۰.
- فتاحی مرنگلو، مهدی (۱۳۸۸). *سنجش میزان گرایش به رفتارهای وندالیستی و بررسی برخی از عوامل فردی و اجتماعی مؤثر بر آن در بین دانش‌آموزان مقطع متوسطه شهر ارومیه در سال تحصیلی ۸۸-۸۷*. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه پیام نور مرکز تهران.
- قیس، عادل (۱۳۸۸). *بررسی جامعه‌شناختی تأثیر احساس محرومیت (اقتصادی، اجتماعی، خدماتی) بر گرایش جوانان (۱۵-۲۵ سال) به رفتارهای وندالیستی شهر تهران*. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه الزهراء (س).
- کرین، ویلیام (۱۳۸۹). *نظریه‌های رشد*. ترجمه غلامرضا خوبی‌نژاد و علیرضا رجایی. چاپ سوم، تهران: انتشارات رشد.
- ستوده، هدایت‌الله (۱۳۸۰). *آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات)*، تهران: انتشارات آوای نور.
- سهامی، سوسن؛ احمدی، حبیب (۱۳۸۳). *بزهکاری و خرابکاری*. *فصلنامه تازه‌های روان‌درمانی*، سال پنجم، ۱۷ و ۱۸، ۱۲۳-۱۰۶.

محسنی‌تبریزی، علیرضا (۱۳۷۰). بیگانگی. نامه علوم اجتماعی، جلد ۲، شماره ۲، انتشارات دانشگاه تهران.

نصرتی، محمدصالح (۱۳۸۳). بررسی تحولی رابطه پایگاه‌های هویت با میزان دلبستگی در نوجوانان پسر (۱۴، ۱۶ و ۱۸ ساله) شهرستان کامیاران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید بهشتی.

نیک اختر، علی (۱۳۷۸). بررسی عوامل اجتماعی-اقتصادی مؤثر بر خرابکاری به‌عنوان نوعی رفتار بزهکارانه در بین دانش‌آموزان دبیرستان‌های شیراز، رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.

واحدی، شهرام؛ مرادی، سمانه (۱۳۸۸). رابطه سبک‌های دلبستگی پدر و مادر با سازگاری هیجانی، رفتاری و اجتماعی در دانشجویان غیربومی سال اول. *مجله علمی پژوهشی اصول بهداشت روانی*، سال یازدهم، ۳ (پیاپی ۴۳)، ۲۳۲-۲۲۳.

Armsden, G.C. & Greenberg, M.T. (1987). The inventory of parent and peer attachment; individual differences and their relationship to psychological well-being in adolescence. *J Youth Adolesc*; 16: 427-54.

Aysel, Yavuz and Nilgun, Kulglu (2011). Effects of Locational Factors on Vandalism in Seaside parks. *Scientific Research and Essays* Vol. 6 (20): pp 4207-4212.

Ball, Joanna (2005). *The moderating effect of family factors on the relationship between lifetime trauma event exposure and juvenile delinquency in a sample of male juvenile offenders*, dissertation PhD, Georgia State University.

Bowlby, John (1973). *Attachment and Loss*. Vol (31). Loss, sadness and Depression. Basic Books, New York.

Burgess KB, Marshall PJ, Rubin KH, Fox NA. (2003). Infant attachment and temperament as predictors of subsequent externalizing problems and cardiac physiology. *J Child Psychol Psychiatry*; 44: 819-31.

Gullone, E. & Robinson, K. (2005). The inventory of parent and peer attachment revised (IPPA-R) for children: A psychometric investigation. *Clin Psychol Psychother*; 12: 67-79.

Jacob, Doll, Jonathan. Eslami, Zohreh & Walters, Lynne (2013). Understanding Why Students Drop Out of High School, According to Their Own Reports: Are They Pushed or Pulled, or Do They Fall Out? A

-
- Comparative Analysis of Seven Nationally Representative Studies. *SAGE Open*: PP 1-15.
- Melvin, Seeman (1959). On The Meaning of Alienation. University of California, *Los Angeles American Sociological Review*, Vol. 24, No. 6 (Dec., 1959), pp. 783-791.
- Madrigal, A.C. (2006). *The direct and indirect effect of family environment and community violence exposure on lotion middle-school age youth's psychological distress and risk for gong affiliation*. University of Nevada.
- Rezaee, Saeedeh. Rao S P & Ezrin Arbi (2011). Vandalism in Tehran, Iran Influence of some of the Urban Environmental Factors. Department of Architecture Faculty of the Built Environment University of Malaya 50603 KualaLumpur, *Malaysia*: pp 1-8.
- Rolf Loeber, Jeffrey Burke, and Dustin A. Pardini (2009). Perspectives on oppositional defiant disorder, conduct disorder, and psychopathic features, *Journal of child psychology and psychiatry* 50: 1-2, PP 133-142.
- Rubin KH, Dwyer KM, Booth-LaForce C, Kim AH, Burgess KB, Rose Krasnor L. (2004). Attachment, friendship, and psychosocial functioning in early adolescence. *J Early Adolesc*; 24: 326-56.
- Siegel, Larry (1998). *Criminology*, London: Wadsworth Publishing Company.
- Thomas P. Gullotta & Cary M. Blau (2007). *Childhood Behavioral Issues*.